

## تهران - خیابان ولیعصر ۲۳ خرداد

### گزارشی از فعالین نشریه دانشجویی بذر

میدان فاطمی از صبح ملتهب بود. مردمی که صبح در محل بودند خبر می‌دادند که صبح عده زیادی از معترضین وحشیانه دستگیر شده اند. پلیس یگان ویژه قدم به قدم تمامی خیابان‌های منتهی به وزارت کشور را کنترل می‌کرد. به عابرین اجازه ایستادن داده نمی‌شد و با اندک بحثی با مامور یا دستگیر می‌شدند یا با شوک الکتریکی به آن‌ها پاسخ داده می‌شد. اما جمعیت هنوز متشکل نشده بود. فریادهای مرگ بر دیکتاتور از گوشه گوشه خیابان به گوش می‌رسید، ماشین‌ها بوق می‌زدند اما هر تجمعی را پلیس با ضربات باتوم و مشت و لگد پاسخ می‌داد. کرکره مغازه‌ها تا نیمه پایین بود و به عابرین بی دفاع پناه می‌دادند. بلندگوی پلیس به تمام کسبه محل اعلام کرد مغازه‌های خود را تعطیل کنند همه چیز در حال فیلم برداری است و کسانی که همکاری نکنند دیگر نمی‌توانند در آن محل بمانند. ساعت اداری که تمام شد جمعیت بیشتری پیاده و سواره به خیابان ولیعصر و به سمت میدان فاطمی سرازیر شد. مردم ابتدا در پیاده رو و سپس در خیابان فریاد مرگ بر دیکتاتور را سر دادند که با حمله پلیس مواجه شد جمعیت می‌گریخت و می‌ایستاد و بار شعار خود را می‌داد ولی هنوز یک صدا نشده بودند و پراکنده بودند. همکاری مردم فوق العاده بود، مردم حوالی تظاهر کنندگان در حال فرار را در خانه‌های خود پناه می‌دادند. در این اثنا خبر رسید که جمعیتی چند هزار نفری از ونک در حال حرکت به سمت فاطمی است این خبر روحیه معترضین حول وزارت کشور را تقویت کرد و باعث شد جمعیت بسیاری از ناظرین در پیاده رو‌ها به آنان بپیوندند. تا رسیدن جمعیت چند هزار نفری، معترضین حول وزارت کشور خیابان ولیعصر را بستند، روی زمین نشستند و اجازه حرکت ماشین‌ها به سمت بالا را ندادند. حدود بیست دقیقه بعد جمعیت چند هزار نفری رسید و مردم پیاده رو و خیابان یکی شدند. در این حین بود که پلیس به میان مردم آمد اما جمعیت چند هزار نفری به ضرب و شتم پلیس پرداخت ۴ موتور و ۳ ماشین پلیس را به آتش کشیدند. و از همین جا بعد بود که جمعیت با جرات و جسارت بیشتری حرکت کرد. سیل گازهای اشک آور به سمت مردم روانه شد. اما مردم همچنان با شعار و فریاد و خردکردن شیشه‌های بانک‌ها و آتش زدن سطل‌های زباله شهرداری و کندن نرده‌های کنار خیابان به سمت وزارت کشور پیش می‌رفت دو اتوبوس شرکت واحد هم در راه به آتش کشیده شد. صدای گلوله از همه جا به گوش می‌رسید. خبرهای بسیاری از دستگیریها و حملات وحشیانه پلیس به کودکان و مسن‌ها در جمعیت می‌پیچید. این شورش تا ساعت ۸ شب ادامه یافت که یگان ویژه سرتاپا مسلح وارد عمل شد و در ابتدا تنها کوشید جمعیت را متفرق کند و به کوچه‌ها بکشانند و دیگر به تنهایی حمله نمی‌کردند. سربازهای تا بن دندان مسلح گروهی به یک نفر هجوم می‌بردند و چون جمعیت را متفرق کرده بودند دیگر ترسی نداشتند. دوباره خیابان ولیعصر را در اختیار گرفتند و اعلام شد از ساعت ۸ یگان ویژه حق تیر دارد. بسیاری از جوانان شرکت کننده در این تظاهرات تصور چنین ددمنشی را از سوی پلیس نداشتند و گاهی با شک و تردید ایرانی بودن این یگان‌ها را زیر سوال بردند. اینان جلو چشم میلیون‌ها چشم و دوربین

گردن دختری را شکستند و با شوک الکتریکی به جان پیرزنی افتادند و هزاران جنایت دیگر مرتکب شدند اما با همکاری مردم اجازه داده نشد مصدومین دریده شده با امبولانس پلیس جابجا شوند و مردم خود آن ها را به مراکز درمانی رساندند. حتی خبرهایی می‌رسید که این سربازان به زبان عربی تکلم می‌کنند و لبنانی‌اند. بعضی از آن ها در پاسخ به مردم در مورد وحشی‌گری خود گفتند دیگر دور شما تمام شد دور دور ماست.

۲۳ خرداد ۸۸